

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۸۸ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۵۷ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۷/۰۳



## فهرست

- فرصت ماه ربیع المولود را غنیمت بشمارید
- برپایی سفرهٔ هستی به نام پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)
- لزوم تمرین برای شباهت به پیامبر (صلوات الله علیه)
- ماه ربیع، ماه بهار صلوات است
- وجود اقدس حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه)، سرّ خاتمیت است
- حضرت مهدی (علیه السلام)، چشم امید کل جریان هدایت
- زمینه سازی ظهور با ودایع و گنجینه های الهی
- ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) نشانه اکبر قیامت است
- معرفت در بشریت با امام عصر (علیه السلام) به قله می رسد
- اهالی عصر غیبت، اشرف از اهالی عصر ظهور هستند
- امر امام نادیده مانند امر امام ظاهر
- نماز جمعه؛ ترویج یاد حضرت مهدی (علیه الصلوٰة والسلام)
- جانبازان و همسران جانبازان حجت های خدا در عصر غیبت
- حجّت های زمان؛ به روز و ناطق هستند

مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) و میلاد  
فرخنده آن حضرت و میلاد  
امام صادق (علیه الصلوٰة والسلام) یکی

حال و هوای خیلی خوبی  
در این ماه قرار داده که باید  
مؤمنین قدر بدانند. ربیع است،  
بهار است و چه بهتر از این  
که انسان در پرتو یاد پیامبر  
عظیم الشان (صلی الله علیه وآله وسلم)،

ارتباط روحی با آن حضرت،  
تقویت معرفت نسبت به  
آن بزرگوار، تقویت ارتباط  
عاطفی با آن بزرگوار و تقویت  
ارتباط عملی با پیامبر اعظم  
(صلی الله علیه وآله وسلم)، بتواند از محیط  
این ماه نورانی برداشتهای  
بیشتری برای سیروسلوکش،  
برای سرعت سیرش در  
مراتب معنوی داشته باشد.

برای اهل معرفت، در بین  
ماه‌های سال، این سفره ویژه  
الهی است که خیلی باید قدر  
آن را بدانند. با سرعت هم  
می‌گذرد لذا باید بهره خودمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمحمد

«اللَّهُمَّ وَ أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى، وَ  
أَلْهَمْنِي التَّقْوَى، وَ وَقْفْنِي لِلتَى  
هَى أَرْكَى، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا  
هُوَ أَرْضَى. \* اللَّهُمَّ اسْلِكْ  
بِى الطَّرِيقَةَ الْمُتَلَى، وَ اجْعَلْنِي  
عَلَى مِلَّتِكَ أَمْوَتٌ وَ أَحْيَا.»

## فرصت ماه ربیع المولود را غنیمت بشمارید

ایام پربرکت ماه ربیع المولود  
بر همه عزیزان مبارک باشد.  
ان شاء الله بر امت اسلامی،  
امام عالی‌قدرمان، بر همه  
ارادتمندان امیرالمؤمنین  
(علیه الصلوٰة والسلام) در سراسر عالم،  
بر اهل جلسه ما، لحظه‌ها و  
ساعات و آنات این ماه پرفروغ  
و پرنور و پربرکت مبارک باشد.  
شرف انتساب این ماه به  
ساحت خاتم انبیاء محمد

ختم کند. یعنی یک ختم قرآن در جستجوی معارف و حیانی و قرآنی در ارتباط با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عزیزمان، با این نگاه قرآن را از اول تا آخر بخواند و دقت و تأمل کند. البته بهترین کاری که ممکن است کسی از نظر معرفتی انجام بدهد. اگر چنین امکانی فراهم شد که گفت زهی سعادت. اگر نشد هر مقدار، اگر همه قرآن نشد، نیمی از قرآن، بلکه ثلثی از قرآن کریم را با نگاه به آیاتی که مربوط به حضرت است، خطاب‌هایی که متوجه حضرت است، تلاوت کند.

### برپایی سفرهٔ هستی به نام پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

قرآن راجع به پیامبر اعظم خیلی لطائف و اسرار و نشانه‌ها دارد. در واقع می‌شود گفت خداوند (تبارک و تعالی) سفرهٔ هستی

را بیشتر کنیم، برنامه‌ریزی خودمان را جدی‌تر کنیم، هم برای بهرهٔ معرفتی، هم برای بهرهٔ مودتی، هم برای بهرهٔ اطاعتی و سلوکی. ان شاءالله در همه ابعاد انسان بتواند بهره‌مند بشود. چنانکه بارها عرض کردیم، دوستان در ماه ربیع‌المولود فرصت را برای ارتقاء معرفتی نسبت به پیامبر عزیزمان غنیمت بشمارند. این واقعاً در دستور کارشان باشد. حداقل یک کتابی را از کتاب‌های خوبی که راجع به پیامبر عزیزمان نوشته شده حتماً در این ماه مطالعه داشته باشیم، مطالعهٔ سیره، مطالعهٔ سیره تاریخی، اخلاقی. خوشبختانه در بخش‌های مختلف مطالب در این زمینه فراوان است.

مثلاً کسی از خدای متعال توفیق بخواهد یک بار در این ماه قرآن کریم را با توجه به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

\*.....\* **يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ**  
**وَ الْمَرْجَانُ**<sup>۳</sup>؛ است. آن وقت  
 از افق این دو تجلی است که  
 خداوند (تبارک و تعالی) عالم را از  
 نور ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین)،  
 پر کرده است. یکی پس از  
 دیگری، جلوه حسنی، جلوه  
 حسینی، جلوه سجادی، جلوه  
 باقری، جلوه صادقی، جلوه  
 موسوی، جلوه رضوی، جلوه  
 جوادی، جلوه هادوی و جلوه  
 عسگری و جلوه مهدوی (صلو  
 ات الله وسلامه علیهم اجمعین) که هر یک  
 بالاخره در این منشور الهی،  
 یک حکایتی دارند؛ از آن نور  
 باعظمت، یک حکایتی دارند،  
 ارائه‌ای دارند و البته «**كلهم**  
**نورٌ واحد**». این روایت امام  
 کاظم (علیه السلام) خیلی قشنگ  
 است که هر چه بخوانید باز  
 هم حلاوتش بیشتر است که  
 فرمود: «**اولنا محمد، آخرنا**  
**محمد، اوسطنا محمد و**  
 ۳ آیات ۱۰ الی ۲۲ سوره مبارکه  
 الرّحمن

را به نام محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)  
 گسترده است. «**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ**  
**إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**<sup>۱</sup>؛ همه  
 عوالم هستی در واقع به نام  
 آن حضرت است. این نور  
 خداست که منتشر شده،  
 تجلی کرده و عوالم هستی با  
 نور آن حضرت آفریده شده.  
 «**أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي**»؛  
 آن اولین درخشش نور الهی،  
 تجلی اعظم نور پیامبر است.  
 آن وقت دیگر هرچه خلق  
 شده از نور آن حضرت آفریده  
 شده. اولین جلوه‌های نور  
 پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عزیزمان  
 هم که نور صدیقه اطهر (سلام الله  
 علیها) و نور امیرالمؤمنین (علیه السلام)  
 است، این دو تجلی و در محیط  
 این دو نور و به هم رسیدن  
 این‌ها «**مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ**  
**\* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ**»  
 ۱ آیه ۱۰۷ سوره مبارکه انبیاء  
 ۲ «بحار الانوار» طبع حرفی،  
 ج ۱، کتاب العقل و الجهل، حدیث هفتم،  
 ص ۱۰۹؛ و حدیث سیام، ص ۱۵۸

می‌بیند صبرش کم است، در این ماه تمرین کند، دیگری مثلاً حُسن خلق او یک مقدار ضعف دارد، در این ماه تمرین کند، انتخاب کند و این را برای خودش فرض قرار بدهد که در این ماه یک شباهتی به حضرت پیدا کند، دیگری را می‌بیند مثلاً سخاوتش ضعیف است، باید در این ماه تمرین سخاوت کند. عفو کسی ضعیف است، در این ماه تمرین کند و تا می‌تواند بیخشد، دلش را نسبت به کسانی که به او بدی کردند، ظلمی کردند، آزاد کند، بخشش را تمرین کند. خلاصه این‌ها خلق نبوی است. یک بخشی را که احساس می‌کنید در آن قسمت یک ضعفی دارید آن را ترجیح بدهید، اولویت‌بندی و انتخاب کنید و درون برنامه‌ی عملی خودتان قرار بدهید، در این ماه تمرین کنید تا

**کلنا محمد** (صلی الله علیه و آله و سلم). ان شاء الله از این فرصت بسیار خوب، دوستان بهره‌مند بشوند و مراقب باشیم که به غفلت نگذرد و ارتباط خودمان را هم معرفتی، هم مودّتی و ذکری، یعنی هم فکری، هم ذکری، هم عملی با حضرت تقویت کنیم.

### لزوم تمرین برای شباهت به پیامبر (صلوات الله علیه)

در ساحت عمل هم یکی از آن مواردی که در سیره نبوی مورد تأکید است و شاید در زندگی ماها مثلاً کمتر باشد، آن را انتخاب کنیم و در این ماه برای شباهت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عزیزمان بیشتر تمرین کنیم. مثلاً یک وقت می‌بینید شما حلم‌تان ضعیف است، در حالی که حضرت در واقع سفینه‌ی حلم است، خودمان را برسائیم، بردباری‌مان را تقویت کنیم، مثلاً یک کسی

از این فیض بزرگ جا نمانید. «یا ایها الذین آمنوا»، شما هم اولاً به خدا و فرشتگان در صلوات بر پیامبر پیوندید و بعد در تسلیم شدن به امر او که وجودتان را به آن حضرت بسپارید و در مقام تسلیم کامل باشید که این تسلیم در واقع تسلیم در برابر حضرت حق است، چون نور حضرت خاتم در واقع نور عبودیت است، نور بندگی است. پیوندید یعنی در مراتب بندگی هم شما یک قدمی پیش بروید. این همان حالت تسلیم است، تسلیم شدن در برابر خداوند (تبارک و تعالی) است، همچنان که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عزیز ما عبد مطلق بود، در برابر خدای متعال تسلیم محض است، شما هم ان شاء الله یک نشانه‌ای از این سلم، سلام، تسلیم و اسلام را در وجود خودتان داشته باشید.

به امید خدای متعال بتوانید یک بهره عملی و ویژه‌ای هم در این ارتباط داشته باشید.

### ماه ربیع، ماه بهار صلوات است

البته ماه صلوات هم هست، همیشه صلوات است ولی خوب ماه ربیع، ماه بهار صلوات است. مکرر هم به عرض تان رسید که شاید شریف‌ترین آیه‌ای که در قرآن کریم شرح حقیقت حضرت خاتم را می‌کند آیه صلوات است که «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ کیست این حقیقت بزرگ؟ خدای متعال در قرآن کریم می‌گوید خدا و فرشتگان، دائم، بدون انقطاع بر این وجود اقدس درود می‌فرستند و بعد خطاب به مؤمنین می‌فرماید که شما هم



## وجود اقدس حضرت بقیه‌الله (ارواحنافداه)، سرّ خاتمیت است

می‌کند، آشکار می‌شود.

مثلاً ببینید تمام رازهای خاتم‌الانبیاء در خاتم‌الاصیاء است که آشکار می‌شود. همه آنچه که خداوند (تبارک و تعالی) از

هدایت به خاتم‌الانبیاء، تقدیم کرده، با خاتم‌الاصیاء است که تحقق پیدا می‌کند. همان

آیه کریمه‌ای که «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛

گفتند تفسیر این آیه، حضرت مهدی (علیه‌الصلوة والسلام) است.

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛

«أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ»؛ هدایت و دین حق

که دو نشانه ویژه خاتمیت است که در اختیار پیامبر اعظم

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هست، این به

وسیله خاتم‌الاصیاء است

که در عالم محقق می‌شود.

۶ آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه

۷ همان

۸ همان

خوشبختیم که جلسه امروز ما در نهم ربیع الاول برگزار می‌شود، یعنی روزی که بسط ولایت محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

در افق مهدوی است. این روز نهم ربیع این است، آغاز ولایت حضرت بقیه‌الله‌الاعظم

(ارواحنافداه) است. امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) سرّ خاتمیت

است، سرّ خاتمیت وجود اقدس حضرت بقیه‌الله

است. این که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

خاتم‌النبیین است، این خاتمیت یک

جلوه ویژه دارد، جلوه ویژه آن خاتم‌الاصیاء است،

خاتم‌الانبیاء در خاتم‌الاصیاء امتداد پیدا می‌کند و تمام

آنچه که در این مکتب هست از آرزوها، از حقیقت‌ها، از

معارف، از اسرار، تمام آن در وجود حضرت خاتم‌الاصیاء

است که امتداد پیدا

امیدشان به خاتم انبیاء است،  
و خاتم انبیاء چشم امیدش به  
خاتم اوصیاء است. به حضرت  
مهدی (علیه الصلوٰة والسلام) است.

می شود گفت که کل جریان  
هدایت چشم امیدش به  
حضرت مهدی (علیه السلام)

است. تمام سرمایه گذاری  
که ائمه هدی (علیهم السلام) انجام

دادند در آن غربت‌ها، در آن  
زحمت‌ها، در آن سختی‌ها، در

آن زندان‌ها، در آن شکنجه‌ها،  
در آن آوارگی‌ها، همه آن

سرمایه گذاری‌ها به وسیله  
حضرت مهدی (علیه السلام) به

نتیجه خواهد رسید، انتقامش  
را او خواهد گرفت. ما بالاتر

از کربلا نداریم، البته بعضی‌ها  
می خواهند بگویند داریم،

بعضی‌ها می گویند بالاتر از  
آنچه که در کربلا رخ داده، آن

است که درباره حضرت زهرا  
(سلام الله علیها) اتفاق افتاده، منتها آن

مستور است، این آشکار است.

لذا جایگاه حضرت مهدی  
(علیه الصلوٰة والسلام) در مقام تجلی،

یک جایگاه ویژه‌ای در بین  
اوصیاء پیامبر است، در بین

ائمه هدی (علیهم السلام)، جایگاه  
خیلی رفیعی است، خیلی

بزرگ است، خیلی باعظمت  
است، خیلی درخشان است.

### حضرت مهدی (علیه السلام)؛ چشم امید کل جریان هدایت

می خواهند بگویند زیباترین  
تجلی محمد مصطفی

(صلی الله علیه وآله وسلم)، حضرت مهدی  
(علیه الصلوٰة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف)

است. یعنی آن بها، آن جمال،  
آن حُسن که خدای متعال به

پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم)  
داد و منتشر در ائمه هدی

(علیهم السلام) داد، یک جا در وجود  
اقدس حضرت خاتم الاوصیاء

حضرت مهدی (علیه الصلوٰة والسلام)  
متجلی است. العظمة لله که

دیگر بینید همه انبیاء چشم

بخورد، منیت‌ها، انیت‌ها، عنایت‌ها در اعم اغلب در بشریت تبدیل به خواستن به تواضع، به خشوع در برابر خدای متعال بشود. بدانند هیچ راهی جز هدایت الهی وجود ندارد و گروه حق این قدر تقویت بشوند که بتوانند از جان امام‌شان حفاظت کنند. کاری که هیچ وقت نتوانستند انجام بدهند، راجع به هیچ حجتی از حجج الهی نتوانستند انجام بدهند. دشمنان، شیاطین غلبه کردند. برسند به آن جا که بتوانند از جان حجت خدا حفاظت کنند و امر حجت خدا را اطاعت کنند. اطاعت کنند یعنی محقق کنند، فرمان او را بتوانند اجرا کنند، کاری که هیچ کدام از گروه‌های دیگر پیرامون ائمه (علیهم‌السلام) نتوانستند.

تمام این‌ها سرمایه‌گذاری است که اولیاء خدا برای هدایت بشر انجام دادند ولی بشریت نتوانست بپذیرد، تحمل این لطف بزرگ الهی را نداشته، آمادگی‌اش را نداشته است. لذا خدای متعال حجتش را ذخیره کرد. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»؛ فرمود حالا من این آب حیات را از دسترس شما خارج می‌کنم، باشید تا عطش‌تان به آن مرحله‌ای که همه عالم او را بخواهد، برسد؛ حقیقتاً بخواهند و آمادگی‌اش را داشته باشند، والا دیگر شما دسترسی نخواهید داشت. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»؛ باید همه عالم یکپارچه این عطش بشود، بخواهد، هدایت را از خدای متعال بخواهد؛ به بن‌بست برسد، سرش به سنگ

۹ آیه ۳۰ سوره مبارکه ملک

۱۰ همان

## زمینه‌سازی ظهور با ودایع و گنجینه‌های الهی

و جمالش بشریت درک کند، این‌ها درک می‌خواهد، این‌ها ودایع الهی هستند. و هکذا دیگر بشمارید، این‌هایی که حالا من نمونه‌هایی را عرض کردم. البته اشرف نمونه‌هایش را اسم بردیم و هستند و این همه از این جلوه‌های دل‌انگیز که هست.

خب این‌ها هم باید برسند، دست به دست هم بدهد و بشریت ان‌شاءالله برای آن کار بزرگ آماده بشود. البته وعده‌ای که به ما داده شده این است که با وجود او آن وقت همه ودایع هم برمی‌گردند. این‌ها که بالاخره زمان یاری‌شان نمی‌کند که تا کنار حضرت، بمانند و یک قطعه‌ای از زمان را هستند، این‌ها را می‌گذرند، یا به شهادت می‌رسند، یا ارتحال می‌کنند، این‌ها می‌روند. وعده‌ای که داده شد این است که از صدر تاکنون

اگر این زمینه‌ها فراهم بشود، ودایع هم برسد، اسرار هم برسد، گنج‌ها هم آشکار بشود؛ چون یک بخشی زیادی از این گنجینه‌ها باید از راه برسد، طلوع کند، ظهور کند، برسد یعنی بشریت مثلاً حاج قاسم سلیمانی را ببیند، درک کند یعنی چه؟ یعنی شهید حججی را، محسن را درک کند. یعنی چه که این‌ها باید برسند؟ خب این‌ها، این ودایع، تا نرسیدند که حجت خدا نمی‌رسد، این‌ها ودیعه‌های الهی هستند، بالاتر از این‌ها جامعه بشریت باید یک ودیعه‌ای مثل خمینی کبیر را درک کند. این‌ها ودایع الهی هستند، یعنی باید نسل‌ها بیاید و این ودیعه‌ها، این گنج‌های الهی آشکار بشود. یک جلوه فروزانی مثل خامنه‌ای بزرگ را با این اضلاع و وجوه و زیبایی‌ها

می‌کند. این یک جلوه‌ای از قیامت است، از اشراف الساعه است، ظهور حضرت ولی‌الله الاعظم (ارواحنافده) در حقیقت نشانه اکبر قیامت است. آن نشانه بزرگ ظهور حضرت است و قیامتی در این عالم برپا خواهد شد. در آستانه آن قیامت بزرگ و بعد بهشتی که روی زمین ساخته خواهد شد و آرزوی همه انبیاء و اولیاء و صلحا این‌جا، روی همین کره زمین عینیت پیدا می‌کند. نه در عالم بعدی، بلکه روی همین زمین برپا می‌شود، این اراده خدای متعال است.

### معرفت در بشریت با امام عصر (علیه‌السلام) به قله می‌رسد

این آیه‌ای که خواندند «و نُریدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛

۱۱ آیه ۵ سوره مبارکه قصص

هرچه از این ودایع الهی به بشریت هدیه شده، یک جا با او برمی‌گردند که نماد ویژه‌اش هم از انبیاء حضرت عیسی بن مریم (علیهما‌السلام) و از اوصیاء اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) است که برمی‌گردد.

### ظهور حضرت مهدی (ارواحنافده) نشانه اکبر قیامت است

واقعاً در آن ظهور چه خبر است؟ خیلی چیز عجیبی است. انسان می‌خواند اصلاً سرمست می‌شود. اصلاً فکرش انسان را به شوق می‌آورد، به حیرت می‌آورد. این وعده را دادند که این‌ها برمی‌گردند. مؤمنان کامل برمی‌گردند. چنان که سمت کفر هم آنجایی که کفر به قله رسیده، ظلم به قله رسیده، آن‌ها هم برمی‌گردند. عالمی برپا خواهد شد. و خداوند (تبارک و تعالی) روی همین کره زمین آن قیامت را آشکار

ظهور از آن ۲۸ حرف علمی که خدای متعال در بین انسان‌ها قرار داده فقط یک حرفش آشکار شده است. ببینید تازه آن وقت بشر می‌فهمد علم یعنی چه؟ با ظهور آن حضرت تازه فهمیده می‌شود. عقل به کمال می‌رسد، اعتدال در بشریت اتفاق می‌افتد، اعتدال در اخلاق، اعتدال در زندگی. چون می‌دانید با عقل است که عدل تحقق پیدا می‌کند. عقل وقتی برسد، عدل می‌رسد و عدالت برقرار می‌شود. زمین، گنج‌های خودش را آشکار می‌کند به همین معنا است. چه سرسبزی، چه خرمی، چه بهاری، چه صفايي، چه عالمی درست می‌شود. بشریت طعم انسانیت را می‌چشد، طعم انسانیت را با حضرت مهدی (علیه‌السلام) می‌چشد، این یک عصر عجیبی است که پیش روی ما است.

حقیقت این آیه این است که همه آنچه که ائمه هدی (علیهم‌السلام) به خاطر عدم وجود ظرفیت‌ها به آن نرسیدند، «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ<sup>۱۲</sup>»؛ این استضعاف این جا معنای خاصی دارد. نتوانستند، آیا امام سجاد (علیه‌الصلوة والسلام) توانست؟ شرایط با او یاری کرد؟ نه. آیا امام صادق توانست؟ نه. آیا امام رضا (علیه‌السلام) توانست؟ نه. شرایط محقق نشد. فرمود ما منت می‌گذاریم آن وقت همه این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کنیم «و نَجْعَلُهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ<sup>۱۳</sup>»؛ آن وقت آن اتفاق بزرگ می‌افتد و هدایت الهی در عالی‌ترین سطح جلوه‌هایش، بسط کامل پیدا می‌کند. با امام عصر (علیه‌السلام) معرفت در بشریت به قله می‌رسد. گفت تا عصر

۱۲ همان

۱۳ همان

## اهالی عصر غیبت، اشرف از اهالی عصر ظهور هستند

تلاوت قرآن او را شنیدید؟  
 نه. تفسیر قرآن او را شنیدید؟  
 نه. می‌گویند این دیگر چه  
 زمانه‌ای است؟ در گذشته وقتی  
 به طرف می‌گفتید امام زمان  
 شما کیست؟ می‌گفت: امام  
 صادق (علیه‌السلام)، می‌گفتند: آیا  
 خدمت ایشان رسیدید؟ بله. با  
 او گفتگو کردید؟ بله. از او سؤال  
 پرسیدید؟ بله. آدرس خانه‌اش  
 را بلد بودید؟ بله. از شما  
 می‌پرسند آیا شما نشانی خانه  
 امام‌تان را دارید؟ می‌گوئید نه.  
 گفت شما دیگر اهل چه زمانی  
 هستید؟ می‌گویید: ما اهل  
 زمان غیبت هستیم. عصر ما،  
 عصر غیبت است. بعد به ما  
 بشارت دادند، این را بگیرید،  
 کلیدش این است، این یک  
 کلمه است و گفتند این کسانی  
 که اهل دوران غیبت هستند و  
 با این که حجت خدا از آنها  
 مستور است با او رفتاری  
 می‌کنند که گویا آشکار است،

ما نمی‌دانیم چه باید بگوئیم،  
 خدای متعال خیلی ما را  
 دوست داشته که ما را اهل  
 دوره خاتم‌الاولیاء قرار داده،  
 این خیلی نعمت بزرگی است.  
 چون اهالی عصر آن حضرت  
 اهالی عصر غیبت هستند. طبق  
 روایات ما، اهالی عصر غیبت،  
 اشرف از اهالی عصر ظهور  
 هستند و این خیلی قیمتی است.  
 خیلی نعمت بزرگی است که  
 وقتی می‌پرسند امام شما  
 کیست؟ می‌گوییم حضرت  
 حجة بن الحسن الهمدی  
 (علیه‌السلام و ارواحنا فداه) امام ما است،  
 حجت خدا بر ما است. خب  
 می‌گویند حجت خدا را به  
 ما نشان بدهید. می‌گوئیم به  
 او دسترسی نداریم. به شما  
 می‌گویند آیا خدمت ایشان  
 رسیده‌اید؟ می‌گویید: نه.  
 آیا حضرت را دیدید؟ نه.  
 با او هم‌سخن شدید؟ نه.

حجت خدا هم از آن‌ها محجوب شد». بنابراین نه پیامبر را دیدند، نه امام‌شان را دیدند؛ «حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بَسْوَادٍ فِي بِيَاضٍ»<sup>۱۸</sup>؛ عجب! از چه طریقی به ایمان رسیدند؟ می‌فرماید: «بَسْوَادٍ فِي بِيَاضٍ»<sup>۱۹</sup>؛ از روی همین

نوشته‌ها به ایمان رسیدند». «أَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ يَقِينًا»<sup>۲۰</sup>؛ این‌ها از همه مردم، در همه عصرها از نظر یقین عظیم‌تر هستند». ببینید پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) چه تعبیری کرده است؟ چرا؟ چون این‌ها بدون این که حجت خدا را ببینند به او ایمان آوردند.

آن وقت نه خیال کنید یک ایمان معمولی، انگار که دارند حجت خدا را می‌بینند. این روایت بعدی از امام سجاد (علیه‌السلام) در کتاب شریف

آن‌هایی که در عصر غیبت حجت خدا زندگی می‌کنند ولی رفتارشان با حجت خدا رفتاری است که گویا او ظاهر است، این‌ها در پیشگاه خدای متعال خیلی قیمت دارند. یعنی این قدر این‌ها در معرفت پیشرفته هستند.

روایتی زیبایی از امام صادق (علیه‌الصلوة‌و‌السلام) است که حضرت فرمودند: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَكْثَرَ النَّاسِ يَقِينًا»<sup>۲۱</sup>؛ پیامبر اعظم به امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهما) فرمودند:

«بَا عَلِيٍّ وَاعْلَمَ أَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۲۲</sup>؛ بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین مردم از نظر یقین آن‌هایی هستند که در آخرالزمان می‌آیند». «لَمَّا يَلْحَقُوا النَّبِيَّ»<sup>۲۳</sup>؛ این‌ها به پیغمبر که نرسیدند؛ «وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ»<sup>۲۴</sup>؛

۱۴ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۱۸ همان  
۱۹ همان  
۲۰ همان

۱۵ همان  
۱۶ همان  
۱۷ همان



کمال‌الدین نقل است که حضرت فرمودند: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتْهُ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنظِّرُونَ لظهوره<sup>۲۱</sup>؛ این‌جا امام سجاد (علیه‌السلام) شرایطش را خیلی روشن گفته است. «إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتْهُ<sup>۲۲</sup>؛ حالا بعد ببینیم بقیه‌اش هم هستیم یا نه. «الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ<sup>۲۳</sup>؛ آن‌هایی که معتقد به امامت حضرت حجه بن الحسن المهدی (علیه‌السلام) هستند». دیگر چی؟ «الْمُتَنظِّرُونَ لظهوره<sup>۲۴</sup>؛ و منتظر ظهور او هستند»، «أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ<sup>۲۵</sup>؛ می‌دانید کل زمان یعنی زمان هر امامی. یعنی از اهالی زمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) این‌ها برتر هستند، از اهالی زمان امام حسن (علیه‌السلام) برتر هستند، از اهالی زمان امام

حسین (علیه‌السلام) برتر هستند. اهالی یعنی اهالی معتقد، شیعیان، یعنی از این‌ها برتر هستند. از اهالی روزگار امام رضا (علیه‌السلام) برتر هستند. از همه برتر هستند. این‌جا سؤال این است که چرا؟ این‌ها چه خصوصیتی دارند؟ خصوصیتش همان بود که در روایت قبلی اشاره شد. خصوصیت‌شان این است. «لأنَّ اللهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ<sup>۲۶</sup>؛ چون خدایی که ذکر او برترین یادها است»، «أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ<sup>۲۷</sup>؛ از خرد یک سهمی به این‌ها داده»، «مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ<sup>۲۸</sup>؛ از عقل و فهم یک سهمی به این‌ها داده، از معرفت یک سهمی به این‌ها داده. ببینید «أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغِيَّةُ عِنْدَهُمْ

۲۱ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۵۲ ص ۱۲۲  
 ۲۲ همان  
 ۲۳ همان  
 ۲۴ همان  
 ۲۵ همان

همان	۲۶
همان	۲۷
همان	۲۸

توحید حبی رسیدند؛ رسیدند به آن جایی که باید برسند. خبر این‌جا ملاحظه کردید کلمه جالبی که داشتیم چه بود؟ یک: «القائلون بإمامته<sup>۳۳</sup>»؛ و دوم «المنتظرون لظهوره<sup>۳۴</sup>»؛ این دو کلمه است. یعنی به مرتبه انتظار، انتظار فرج رسیده باشند.

### امر امام نادیده مانند امر امام ظاهر

خود اولیاء خدا تکلیف اهالی غیبت را معلوم کردند و فرمودند شما به دوران غیبت رسیدید، اگر دست‌تان به خورشید نرسید، اگر دست‌تان به ماه نرسید، ستاره که هست، با ستاره‌ها هدایت می‌شوید. فرمود: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى

بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ<sup>۲۹</sup>؛ عجب! چنان عقلی، چنان فهمی، چنان رشدی، چنان معرفتی به این‌ها داده که امام نادیده نزد آن‌ها درست مثل امام ظاهر است، هیچ فرقی برایشان نمی‌کند. «مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ<sup>۳۰</sup>؛ غیبت نزد آن‌ها مثل مشاهده است، فرقی نمی‌کند». «أَوْلَيْكَ الْمَخْلُصُونَ حَقًّا<sup>۳۱</sup>»؛ البته این‌جا را مخلصون هم می‌شود خواند. شاید مخلصون بخوانیم بهتر است چون مخلص مرتبت خود ائمه (علیهم‌السلام) است، البته شاید بعضی‌ها هم اندکی برسند، این‌ها همان مخلصون بخوانیم، «أَوْلَيْكَ الْمَخْلُصُونَ حَقًّا<sup>۳۲</sup>»؛ این‌ها به آن بالاترین رتبه‌ها در اخلاص، در توحید، در روحیه خدایی داشتن، در

همان	۲۹
همان	۳۰
همان	۳۱
همان	۳۲

همان	۳۳
همان	۳۴

به دامن حجت خدا است و به این ترتیب شما متصل می‌شوید. الحمدلله شیعه در تمام این قرن‌ها با این نجوم، با این ستاره‌ها هدایت شده. گفت که اگر از نایب ما تبعیت کنید مثل این که از ما تبعیت کردید. در آن روایتی که از خود امام عصر (علیه‌السلام) هست که «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا»<sup>۳۷</sup>؛ فرمود حجت من بر شما این‌ها هستند «وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۳۸</sup>؛ من هم حجت خدا، یعنی شما را، بی‌کس نگذاشتند، مسیر هدایت هست، منتها مصلحت عصر غیبت جاری است. شما دیگر دسترسی مستقیم ندارید، دشواری‌های خودتان را دارید، رنج‌های خودتان را دارید، مصیبت عصر غیبت که

۳۷ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۴  
 ۳۸ همان

رُؤَاةِ حَدِيثِنَا»<sup>۳۹</sup>؛ فرمود: شما را که رها نمی‌کنیم، خودشان پیش‌بینی کردند. لذا عصر غیبت که شروع شد، بلافاصله وکلای حضرت مهدی (علیه‌السلام) و واسطه‌ها بین مردم بودند. در عصر غیبت صغری به نام و شناسه خاص حضور داشتند، یکی پس از دیگری بودند. بعد از این که ایام آن‌ها تمام شد. فرمودند: از این به بعد فقیهان با ویژگی‌هایی که مشخص کردند، در بین شما هستند «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ»<sup>۳۶</sup>؛ فرمود دیگر در عصر غیبت شما هستید و فقیه عادل، عارف، عامل، سالک، وارسته، متقی. باید دامن آن‌ها را بگیرید، آن‌ها دست‌شان

۳۹ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۴  
 ۳۶ الاحتجاج: ۳۳۷/۵۱۰/۲

و مادرها می‌گفتند بچه‌هایتان باید بروند، چشم. یکی برود، دو، سه، چهار، برود. عین این که از دو لب مبارک خود امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) شنیده باشند که برو. اقدام کن؛ اقدام کرده و به میدان رفتند. لذا برایشان فرقی نمی‌کرد.

روایتی که برای شما خواندم این است. این‌ها خیلی بزرگ هستند. «صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»؛ امام سجاد (علیه‌السلام) فرمودند این‌ها این‌گونه می‌شوند که غیبت برای آن‌ها با ظهور هیچ فرقی از این جهت نمی‌کند. از این جهت، نه این که غیبت و ظهور با هم فرق نمی‌کند ولی برای آن‌ها به منزله‌ی المشاهده است، حجت دارند، بی‌حجت نیستند، سرگردان، رها و معطل نیستند، همج‌الرعا نیستند. یک روز این طرف، یک روز آن

هست، اما بی‌هدایت نیستید، مسیر برای شما هست، به سوی رضای حضرت که کشف کند از رضای الهی. این مسیر برای شما هموار است، هیچ وقت بلا تکلیف نیستید. آن وقت شما بینید مثلاً کسانی در زمان ما زندگی کردند که با امر کفیل‌شان، نایب امام زمان‌شان، فقیه جامع‌الشرایط عصر خودشان، مثل امر امام زمان‌شان رفتار کردند یعنی هیچ فرق نگذاشتند، هیچ تفاوتی نبوده. گفت جبهه بروید، چشم. شهید می‌شوید، باشه، اسیر، باشه. این‌ها دیگر بالاتر از همه است. بقیه کارها که آسان است. این کارهایی که ما انجام می‌دهیم که کاری نیست. فرمود فرمایید این جبهه است. که پیش خدای متعال هم حجت داشته باشید، جانت را می‌گیری کف دستت می‌روی. به پدر

واقعاً یعنی برای بچه‌های صحیفه، زیارت جامعه و دعا و همه چیز را مفصل خواندم، حالا این‌ها حداقل کارهایی است که می‌شود انجام داد. عرض به محضر شریف‌تان در این سفر به دیدن یک جانباز بزرگواری در مشهد رفتیم که ایشان را من قبلاً گاهی وقت‌ها در نماز جمعه می‌دیدم، یعنی تقریباً از بچه‌های منظم نماز جمعه مشهد بود، ایشان را هم فقط آن‌جا دیده بودم. هر وقت ما مشهد بودیم، جمعه‌ها که نماز می‌رفتیم، می‌دیدیم ایشان هستند، در همه این سال‌ها هر وقت می‌رفتیم نوعاً می‌دیدیم که ایشان هم هست. خوب یک سبک خاصی هم هست، مثلاً یک ویلچر معمولی نیست. چون تقریباً از گردن به پایین فلج است، گفت یک گلوله سیمینوف خورده داخل گردن و

طرف، یک روز راست، یک روز چپ، یک روز جلو، یک روز عقب، نه؛ به امام‌شان، ملحق هستند، دست‌شان در دست حجت است. بی‌حجت زندگی نمی‌کنند. این‌ها مخلصون حق هستند، این‌ها رسیدند به آن درجه از اخلاص. تکلیف‌شان هم در زندگی روشن است، خیال‌شان هم راحت است، با حجت دارند زندگی می‌کنند، بی‌حجت نیستند، سرگشته نیستند، سرگردان نیستند.

### نماز جمعه؛ ترویج یاد حضرت مهدی (علیه‌الصلوة والسلام)

حالا که این ایام، ایام دفاع مقدس است یاد کسانی دارد گرامی داشته می‌شود که این گونه با امام‌شان، زندگی کردند یعنی امتحان دادند، امتحان‌های بزرگ دادند. من پریشب در مشهد مقدس نایب الزیاره شما بودم، این که دارم می‌گویم

بعد آن درد هم هست. خوب مثل این که ایشان این اتفاق در سال ۶۱ برای‌شان افتاده و گفت در طول این مدت یک شب بدون درد نگذشته، و دردهایی که می‌گفت گاهی اصلاً برای کسی قابل توصیف نیست. ولی ایشان به مقام صبر رسیده. یعنی می‌تواند این را این‌طور تحمل کند.

حالا این داستانش مفصل است، من نمی‌خواهم همه آن قصه را برای شما بگویم که گفتنی است، ولی این مقدار به شما بگویم که ما رفتیم دیدن ایشان. آیا این شخص مثلاً چون حالا جانباز شد، آن هم جانباز خاص که به من گفتند از نظر فیزیولوژیک و شرایط خاص و اتفاقی که در جانبازی برای ایشان افتاده ظاهراً بی‌نظیر باشد. یعنی یک چیز خاصی است، یک شرایط ویژه‌ای است. یک

از آن طرف خارج شده و نخاع را از بالاترین سطح خودش آسیب زده. یک جمله‌ای هم گفت من خیلی دلم سوخت، گفت حاج آقا یک حسی درون من هست که آن نرفته، لذا درد هست. لذا یک وقت مثلاً می‌گویید دیگر هیچ چیزی احساس نمی‌کند، اما در مورد ایشان نه، یک حسی هست. البته اخیراً صحبت که می‌کند، دست‌شان یک مقدار بالا می‌آید، فقط همین دست، دیگر هیچ. گفت یک حسی هست. خانمش می‌گفت مثلاً گاهی وقت‌ها ما بدون اغراق باید هفت، هشت یا ده تا پتو روی حاج آقا بیندازیم. یعنی یک شرایطی برای او پیش می‌آید که می‌گفت فقط یک سر پیدا است، هرچه می‌اندازیم کافی نیست. یا برعکس هست، یعنی این دمای بدن به هم ریخته است،

چیزهایی هست که خودش است، یونیک است، مثلاً دوم و سوم ندارد و شرایطش هم خیلی خاص است. ظاهراً وظیفه‌اش را انجام داده، رفت و کارش را انجام داد. حالا همین که مثلاً بتواند این درد را تحمل کند. لابد مثلاً با همین باشد تا آن وقتی که خدای متعال می‌خواهد، ولی نه؛ ایشان یک انسان کنش‌گر، فعال، آگاه به شرایط، پیگیری کننده مسائل، نقش‌آفرین، مسافرت از این استان به آن استان، فکر، پیشنهاد، تألیف. یک کتابش را برای من آورد و گفت این کتاب را هشت سال با دندان نوشته است. گفت هشت سال طول کشیده تا این را نوشته است. چند جلد کتاب نوشته بود که یک تعدادش را به من هدیه دادند. چه هدیه ارزشمندی. «صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ

عِنْدَهُمْ بِمَنْزَلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»؛ برای او غیبت و ظهور فرقی نمی‌کند، خودش را کاملاً در حضور امام (علیه‌السلام) می‌بیند. حالا ما رفتیم خدمت ایشان، فکر می‌کنید از ما چه می‌خواهد؟ حالا که می‌خواهد با ما صحبت کند، مطلبش چیست؟ ما چند دقیقه خدمت ایشان نشستیم، از اول تا آخر یک مطلب دارد؛ مطلبش این است که آقا، از ترویج یاد حضرت حجه بن الحسن اللمهدی (علیه‌الصلوة والسلام) جا نمایم، یک کاری بکنید. نکند نمازهای جمعه‌تان، سخنرانی‌هایتان، گفتارهایتان، از آن طراوت معنوی خالی بشود. گفتم آقا فدای شما بشویم که وظیفه اصلی ما را دارید به ما یادآوری می‌کنید. اگر ما نماز جمعه‌مان در آن یاد و نام حضرت و معرفت نسبت به حضرت نباشد که اصلاً

بابایم شبیه شده یعنی عاشقانه ایستاده، هنوز هم آنجا ایستاده بود، تمام شش دانگ حواسش به این مرد خدایی بود. مثلاً دو سه بار در این فاصله می فهمید که الان باید چه کار کند. او الان در چه شرایطی است. چون ایشان کاری برای خودش نمی تواند انجام بدهد، همه را این خانم با آن حس عاشقانه خودش درک می کند که الان مثلاً چه نیاز دارد. خیلی عجیب است، مثلاً شما حساب کنید از سال ۶۱ تا حالا؟ این ۴۱ سال است مثلاً نمی تواند صورت خودش را بخاراند. می فهمید

یعنی چی؟ یعنی هیچ کاری نمی تواند برای خودش بکند.

ما چی می گوییم اینها چی می گویند. «أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا»؛ الان همه توجه اش به امامش است، به رهبرش است و کارهایی که

همان ۴۱

نماز جمعه نیست. روحش یاد حضرت مهدی (علیه السلام) است. خیلی لطیف صحبت می کرد. اصلاً شبیه این آدم های نقو نبود، پیشنهاد داشت، طرح داشت. توجهش به حضرت (علیه الصلوٰة والسلام) است. خیلی شیرین بود. من یک مقدار هم، بیش از یک مقدار حسرت خوردم که ما این همه سال مشهد رفته بودیم و خدمت ایشان نرسیده بودیم، خیلی واقعاً دلم برای خودم سوخت. ایشان یک حال خیلی خوشی داشت.

## جانبازان و همسران جانبازان حجت های خدا در عصر غیبت

البته ما همان جا هم متوجه شدیم جانبازتر از ایشان خانمش است، آنها دیگر چه کسی هستند، الله اکبر. آقازاده شان گفت که مادر من الان از نظر درد هم خیلی به



## حجت‌های زمان؛ به‌روز و ناطق هستند

امام عصر (علیه‌الصلوة والسلام) دارد یارگیری می‌کند، محیط یارگیری حضرت هم خیلی گسترش پیدا کرده است. اکنون در این منطقه نگاه کنید، از کشور ما تا قلب کفر رفته، تا آمریکا، تا اروپا، تا آفریقا، همه جا حضرت دارد یارگیری می‌کند، این صدایی که از آن رجل الهی، از این جا و در زمانه ما برخاست، پژواکش واقعاً انتشار پیدا کرده، ما یک وقت این وسط، جا نمائیم مسئله این است، او که دارد یارگیری می‌کند و ان شاءالله مقدمات با سرعت برای آن روز بزرگ آماده می‌شود.

امیدواریم ان شاءالله خداوند (تبارک و تعالی) ما را قدرشناس زندگی در عصر غیبت آن هم در این قطعه از عصر غیبت که قطعه‌ای مثل حالت

آقا می‌خواهند، خواسته‌هایی که ایشان دارند. آیا پیش می‌رود؟ کار دنبال می‌شود؟ کم و کسری‌ها کجاست؟ باور کنیم که در یک مقطع خاصی از زمان داریم زندگی می‌کنیم، روزگار ما خیلی خاص است، خیلی عجیب است، هیچ وقت این قدر ودایع الهی نرسیده، این یک ودیعه الهی است. از این‌ها بین ما هستند، با ما دارند زندگی می‌کنند، در همسایگی‌های ما، این‌ها حجت‌های خدا هستند. انسان‌های به یقین رسیده، رسیدند به مرحله یقینی که ما همین اول دعای مکارم الاخلاق از خدای متعال می‌خواستیم. این‌ها رسیدند. ما هم بخواهیم، ما هم دنبال کنیم، جا نمائیم.

به روز به روز هستیم. هیچ کدام از ما و کسانی که در زمان ما زندگی می‌کنند، یک سر سوزن به پیشگاه خدای متعال حجت نداریم، چون حجت ناطق و به روز است، تحلیل‌ها به روز است، دوستان به روز، دشمن به روز، همه چیز روشن تعریف شده است. وظیفه‌ها تعریف شده، خانم، آقا، دانش‌آموز، دانشجو، طلبه، همه وظیفه‌شان معلوم است، هر کسی کوتاهی کند دیگر باید ببینید در پیشگاه خدای متعال چه جوابی می‌خواهد آماده کرده باشد؟ الان در زمان ما کسی نیست که بگوییم حجت ندارد. این قدر حجت روشن است، این قدر آشکار است، شفاف است، حالا من وقتی بخواهم تنبلی کنم می‌دانید چه کار می‌کنم؟ ماها این جور هستیم دیگر، اگر خواستیم تنبلی کنیم، شانه از زیر حجت

گرگ و میش بین الطلوعین است، یک فجری است، یک جلوه‌ای از آن خورشید به زمان ما پاشیده، یک شعاعی از خورشید عظمی به محیط زندگی عصر ما پاشیده، قرار دهد. ما داریم در این زمان زندگی می‌کنیم. خیلی شکر دارد، انسان باید تلاش کند تا از این فرصت استفاده کند و یاری کند، کمک کند.

امام می‌گوید «هل من ناصر»، امام حسین (علیه السلام) در آن شرایط فرمودند «هل من ناصر ی نصرنی». صدای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حسین زمان که دیگر گوش فلک را پر کرده، حضرت «هل من ناصر» می‌گوید. حجت روشن آن هم ولی فقیه عزیز زمان ما است، تکلیف همه‌مان را روشن می‌کند، به ما برنامه می‌دهد، تأیید می‌کند، به روز می‌کند، خیلی مهم است،

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْشَّفَاءِ  
 وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ  
 وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ  
 وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى غُرَبَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ  
 إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ  
 بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

«اللهم صل على محمد و آل محمد».

خالی می‌کنیم، می‌گوئیم  
 خب حالا نمی‌دانستیم چه  
 کار کنیم؟ یعنی خودمان را در  
 ابهام می‌بریم برای این که  
 تنبلی‌های خودمان را پوشش  
 بدهیم، والا الان هیچ کس  
 بلا تکلیفی وجود ندارد، مگر  
 خودش نخواهد تکلیف خودش  
 را بداند و نخواهد عمل کند.

امیدواریم ان شاءالله خدای  
 متعال ماها را به وظایف‌مان  
 آشنا کند، وظایف‌مان را به  
 ما الهام کند، تقوا را به ما  
 الهام کند، و ما را جزو همین  
 گروهی قرار بدهد که امام  
 سجاد (علیه‌السلام) در این روایت  
 نورانی معرفی کردند، ان  
 شاءالله جزو منتظران واقعی  
 امام زمان‌مان قرار بدهد.

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ  
 بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ  
 وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ  
 وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرَضَى



افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰  
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر